

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هشتم

زمستان ۱۴۰۰

پیشه‌های یهودیان مدینه و مدیریت راهبردی پیامبر ﷺ

با تأکید بر زراعت و کشاورزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۲۶

حسین علی‌بیگی^۱

سیدمحمدرضا حسینی^۲

یهودیان قبل از ظهور اسلام، بنا به دلایلی از جمله جنگ، مهاجرت، تجارت و باور به ظهور پیامبر آخرالزمان، به جزیره‌العرب مهاجرت کردند. آنان با توجه به تجاری‌گری که در امور پیشه‌وری و کشاورزی داشتند، اقتصاد مدینه و اطراف آن را به انحصار خود درآوردند. با مهاجرت مسلمانان به مدینه، به دلیل عدم آگاهی تخصصی آنان از امور پیشه‌وری، زراعت و کشاورزی، زمینه‌ای فراهم گردید تا یهودیان به شکل‌های مختلف به استثمار مسلمانان بپردازند. از این رو، برای فهم چگونگی تعاملات اقتصادی آنان در سال‌های اولیه هجرت، باید به این پرسش پاسخ داد که چه عواملی سبب تسلط یهودیان بر پیشه‌های رایج در مدینه شده بود؟ و راهبرد پیامبر ﷺ

۱. دکترای تاریخ اسلام، مدرس مدعو گروه تاریخ اسلام، دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول: (hosainalibeigi@gmail.com).

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مرکز قم، دانشگاه پیام نور: (mreza-hoseini@yahoo.com).

برای خودکفایی در عرصه زراعی و کشاورزی چه بود؟

یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از منابع دسته اول و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی و تبیین موضوع پرداخته، بیانگر آن است که یهودیان به دلیل مکان‌یابی مناسب، در اختیار داشتن زمین‌های حاصل‌خیز، تسلط بر فنون و روش‌های زراعت و کشاورزی، سبک زندگی متفاوت (یکجانشینی)، بیشتر پیشه‌های رایج در مدینه را از آن خود کرده بودند؛ اما به تدریج پیامبر ﷺ راهبرد مناسبی برای رشد اقتصادی و خودبسندگی مسلمانان در پیش گرفت و با مدیریت بر احیای زمین‌های بایر، تشویق به کاشت نخل و نظارت بر تقسیم آب، اهداف بلندمدت خود را محقق نمود و خودکفایی اقتصادی مسلمانان را رقم زد.

کلیدواژگان: پیامبر ﷺ، یهود مدینه، اقتصاد مدینه، پیشه‌وری یهود، کشاورزی یهود.

مقدمه

موقعیت مناسب جغرافیایی شبه‌جزیره در اعصار کهن، زمینه اقامت پیروان ادیان الهی در این سرزمین را فراهم کرده بود. یکی از این ادیانی که پیروانش در مدینه و اطراف آن سکونت داشتند، یهود بود. پیروان این دین، توانسته بودند با توجه به تجارب خود در عرصه پیشه‌وری، کشاورزی و دامداری، در مکان‌هایی که از جهات مختلف مساعد و حایز اهمیت بود، استقرار پیدا کنند. از طرفی، سبک زندگی متفاوت - یکجانشینی - زمینه‌ای فراهم کرده بود تا آنان در تولید پیشه‌های تأثیرگذار مختلف، پیشگام باشند و اعراب هم به دلیل زندگی بیابانگردی، به تولیدات آنان نیاز داشته باشند. با مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه و تشکیل دولت‌شهر مدینه از سوی پیامبر ﷺ، نیازهای اقتصادی مسلمانان نیز آشکارتر گردید. وابستگی مسلمانان به یهودیان در همان آغاز ورود به مدینه و به دلیل عدم تجربه کافی آنان در امور زراعی و تولید پیشه‌های دستی نمایان شد. حال،

راه برون‌رفت از این وضعیت نامساعد اقتصادی، تنها مدیریت منابعی بود که پیامبر ﷺ در اختیار داشت. بر این اساس، نقش مدیریت راهبردی در موفقیت را می‌توان در بیشتر حوزه‌های تلاش انسانی مشاهده کرد اگر به جنگ و سیاست نگاهی داشته باشیم، پی خواهیم برد که موفقیت افراد به ندرت نتیجه یک فرایند کاملاً تصادفی بوده است. برتری مهارت‌ها و منابع، معمولاً عامل تعیین‌کننده نیست. راهبردهایی که بر مبنای چهار عنصر: اهداف بلندمدت، درک عمیق محیط رقابتی، ارزیابی عینی منابع و پیاده‌سازی اثربخش هستند، همیشه نقش مهمی ایفا می‌کنند. کسانی که این چهار عامل استراتژیک را مدیریت کرده‌اند، افراد موفق بوده‌اند.^۱ بنابراین، مدیریت راهبردی، مدیریتی آینده‌نگر، بلندمدت، یکپارچه، تحول‌گرا و بر مبنای شناخت محیط صورت می‌گیرد. این مدیریت پس از طی فرآیند مربوطه، مدیریت راهبردی خاصی را تدوین می‌نماید که با اجرا و نظارت بر آن، تحقق رسالت و یا مأموریت را به بهترین وجه مقدور می‌سازد.^۲ باید بررسی شود که مدیریت راهبردی پیامبر ﷺ در این زمینه، تا چه میزان توانسته است تأثیرگذار باشد.

پیشینه موضوع پژوهش

یهودیان ساکن شبه‌جزیره از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند؛ اما در تحقیقات صورت گرفته، بیشتر به ابعاد سیاسی حیات آنان پرداخته شده و توجه چندانی به فعالیت‌های اقتصادی آنان نشده و تنها در مقاله‌ای با عنوان «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی» تألیف احمد رضا خضری و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، به اقتصاد زراعی یهود به صورت گذرا اشاراتی شده است. خالد عبدالطیف حسن یاسین هم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «موقف الرسول ﷺ من الیهود الحجاز» در ذیل فصل دوم به صورت بسیار موجز به عرصه زراعی پرداخته‌اند (۲۰۰۹م).

۱. گرانت، مدیریت استراتژیک با رویکرد امروزی، ص ۲۹.

۲. شهلائی، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، ص ۱۰۱.

بنابراین، با توجه به اهمیت تأثیری که موضوع اقتصاد، به‌ویژه در عرصه زراعت و کشاورزی، در مناسبات میان پیامبر ﷺ با یهودیان داشت، می‌تواند در پژوهشی مستقل و با وام‌گیری از برخی شاخص‌های نظری علم مدیریت استراتژیک، به این موضوع پرداخته شود.

پیشه‌های مرتبط با کشاورزی

مدینه در زمینه فعالیت پیشه‌وری و تولیدات دستی، پیشنازتر از سایر شهرهای شبه‌جزیره بود. اگرچه یهودیان در برخی پیشه‌ها و صنایع تولیدی دستی، بر اعراب برتری داشتند، اما بنا به نظر برخی، تقریباً هر دو گروه اعراب و یهودیان، در یک سطح قرار داشتند.^۱ از طرفی، دور از ذهن نیست در جامعه‌ای که اساس اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی بود، تولیدکنندگان محصولات کشاورزی نیازمند ادوات کشاورزی باشند. همین امر، زمینه رشد و نمو حرف و پیشه‌هایی را فراهم می‌کرد. از طرف دیگر، این تولیدات، در عرصه کشاورزی و امور روزمره ساکنان مدینه مورد استفاده قرار می‌گرفت. بنا به گزارش ابن‌نجار، در روستای زهره که در حاشیه مدینه قرار داشت، ۳۰۰ صنعتگر یهودی فعالیت داشتند^۲ که نشان‌دهنده رونق کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی است.

ابی‌حسن ندوی، شراب‌گیری، سبذبافی، زنبیل‌بافی، لیف‌بافی^۳ و تولید وسایل خانگی را جزء مهم‌ترین پیشه‌های یهودیان مدینه و اطراف آن می‌داند.^۴ البته یهودیان در کنار سایر

۱. نجمان، *التنظیمات الاجتماعية والاقتصادية في المدينة في القرن الأول الهجري*، ص ۶۲.

۲. ابن‌النجار، *الدرة الثمينة*، ج ۱، ص ۲۶.

۳. البته بعد از تدابیر اقتصادی که پیامبر ﷺ در عرصه کشاورزی اتخاذ نمود، مسلمانان نیز در زمینه: سبذبافی، زنبیل‌بافی و حصیربافی مستقل عمل کرده و نیازهای خود را تأمین نمودند؛ به طوری که صاحبان این امور، از سوی مسلمانان به «الخواص» معروف شدند و سلمان فارسی، یکی از این خواص بود (الخزاعي، *تخریج الدلالات السمعية*، ص ۷۲۴).

۴. ندوی، *السيرة النبوية*، ص ۲۷۱-۲۷۰.

فعالیت‌های شغلی که در مدینه داشتند، بر حسب ضرورت زندگی، شیوه معیشت و آداب و رسوم خود، به فعالیت‌های دیگری هم روی می‌آوردند. یکی از پیشه‌های منتج از محصولات زراعی، پیشه شراب‌گیری با استفاده از خرما بود که هم به‌عنوان نوشیدنی و هم به‌عنوان کالایی تجاری مورد دادوستد قرار می‌گرفت.^۱ با وجود این، ظاهراً از بلاد شام هم شراب وارد می‌کردند.^۲ استفاده از شراب، در میان یهودیان رواج فراوانی داشت؛ چنان‌که در زمان غزوه بنی‌قریظه و پیروزی مسلمانان بر آنها، مقداری شراب و خم‌های «می» به‌دست مسلمانان افتاد؛ اما به دستور پیامبر، همه آنها را دور ریختند.^۳ یهودیان همچنین، از انگور، خرما، عسل و مخلوط جو و گندم نیز شراب تهیه می‌کردند؛^۴ اما با نزول آیات تحریم شراب (نساء، آیه ۴۳؛ بقره، آیه ۲۱۹؛ مائده، آیه ۹۰)، فروش انگور به یهودیان منع شد تا مسلمانان به طور غیرمستقیم در تولید شراب مشارکت نداشته باشند.^۵

سبذبافی، زنبیل‌بافی و حصیربافی که از برگ نخل و الیاف آن درست می‌شدند، ارتباط نزدیکی با زندگی روزمره یهودیان داشت و عموماً علاوه بر رفع احتیاجات و استفاده در منزل، در امر کشاورزی نیز از آنها استفاده می‌کردند.^۶ آنان همچنین، در تولید طناب از الیاف پشم و فرآوری پوست هم فعال بودند. در مدینه ساخت اشیاء و لوازم چوبی مانند در و پنجره و لوازم منزل و ادوات کشاورزی رواج داشت. ثروتمندان یهود بیشترین استفاده از این تولیدات را در منازل خود داشتند؛ به‌طوری‌که صندلی‌های چوبی که با استفاده از چوب

۱. سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ص ۳۰۳؛ شریف، مکه و المدینه، ص ۳۰۷.

۲. جواد علی، المفصل، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

۳. واقدی، مغازی، ص ۳۸۵؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۳.

۴. الوکیل، یثرب قبل الاسلام، ص ۱۷۸.

۵. الطبرانی، معجم الأوسط، ج ۵، ص ۲۹۴؛ همان، ج ۶، ص ۳۳؛ الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۹۰.

۶. الخزاعی، تخریج الدلالات السمعیة، ص ۳۲۷؛ بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۸۳.

درخت گز با پایه‌های فلزی ساخته می‌شد، میان ساکنان مدینه بسیار مرسوم بود. چوب درخت گز را از ناحیه غابه که در شمال غربی مدینه قرار داشت، تهیه می‌نمودند و در تولید صنایع چوبی مورد استفاده قرار می‌دادند.^۱

آهنگری، از دیگر پیشه‌هایی بود که با توجه به نیاز جامعه کشاورزی به ادوات و ابزارآلات آن، مانند: گاوآهن، وسایل شخم، تبر، داس و چنگک، در میان ساکنان مدینه و به‌ویژه یهود رواج فراوانی داشت؛^۲ چنان که در جریان غزوه خندق، مسلمانان، بیل، تیشه و زنبیل برای حفر خندق از یهودیانی که در این زمینه خبره و به تولید آن اشتغال داشتند، قرض گرفتند.^۳ بنابراین، یهودیان با توجه به سبک زندگی‌شان که بخش عمده‌ای از آن مرتبط با کشاورزی بود، به ساخت وسایل مرتبط با کار خود روی آورده بودند و در این زمینه، پیشگام شدند و فنون ساخت و تولید آن را انحصار خویش می‌دانستند و آن را به مسلمانان آموزش نمی‌دادند. از این رو، مسلمانان ساکن در مدینه، وابسته به آنان بودند و تنها بعد از جنگ و یا اخراج و کوچ یهودیان می‌توانستند به این وسایل در سطح وسیع دست پیدا کنند.

پیشه تولید رزم‌افزارها

تولید وسایل و ادوات جنگی و نظامی، از دیگر پیشه‌های یهودیان بوده و پیشینه این شغل را به داود نبی (۹۷۰-۱۰۱۰ قبل از میلاد) که اقدام به ساخت سپر کرد، منتسب می‌نمودند و خود را میراث‌دار ایشان معرفی می‌کردند.^۴ گزارش منابع تاریخی، حاکی از فعالیت

۱. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۵۳؛ ابن اثیر، *أسد الغابۃ*، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. شریف، *مکة و المدینة*، ص ۳۰۸.

۳. واقدی، *مغازی*، ص ۳۳۳؛ حلبی، *سیرة الحلبيّة*، ج ۲، ص ۴۱۸.

۴. الذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲، ص ۴۳۰؛ صالحی الشامی، *سبیل الہدی والرشد*، ج ۷، ص ۳۶۸؛

سمهودی، *خلاصۃ الوفا بأخبار دار المصطفیٰ*، ج ۱، ص ۶۲۲.

گسترده یهودیان و ثروت‌اندوزی آنان از طریق تولید، ساخت و فروش ابزارهای جنگی است. آنها در ساخت انواع: زره، نیزه، شمشیر، کمان، کلاهخود، سپر و خنجر پیشگام بودند^۱ و این ادوات نظامی را در بازارهای مدینه به فروش می‌رساندند. آنان در تولید سلاح به سایر ساکنان مدینه و اطراف آن، برتری داشته‌اند و همیشه به خود می‌بالیدند؛ چنان‌که بنی‌قینقاع در زمان مصاف با پیامبر ﷺ، خود را مردان «اهل کارزار و سلاح» معرفی می‌کردند^۲ و به هنگام کوچ آنان از مدینه و قلعه‌هایشان، ۳۰۰ سپر و تعدادی شمشیر و کمان به دست مسلمانان افتاد.^۳ در جریان غزوه بنی‌قریظه (پنجم هجری قمری)، غنیمت‌هایی که به دست مسلمانان افتاد، شامل همین ادوات نظامی بود که خود یهودیان آنها را ساخته بودند و در جنگ‌ها از آنها بهره می‌گرفتند. تعداد این وسایل نظامی، فراوان بود؛ به‌عنوان نمونه، مسلمانان در این جنگ، ۱۵۰۰ شمشیر، ۳۰۰ زره، ۲۰۰۰ نیزه و ۱۵۰۰ سپر فلزی و چرمی به دست آوردند که همگی از تولیدات خود یهودیان بود.^۴ اموال بنی‌نضیر هم که بعد از شکست آنان به دست مسلمانان افتاد، شامل: ۵۰ زره، ۵۰ کلاهخود و ۳۴۰ شمشیر بود.^۵ بیشتر تولیدکنندگان و سازندگان، به کار ساخت ابزارهای جنگی و تیز کردن شمشیر یهودیان اشتغال داشتند؛ چراکه دفاع از قلاعی که یهودیان در آن ساکن بودند، نیازمند جنگ‌افزارهایی بود که به وسیله آن بتواند دشمن را از آن ناحیه دور کنند. این، خود عاملی بود که سبب گردید یهودیان به ساخت و تولید این رزم‌افزارها

۱. عبدالرزاق، مصنف، ج ۵، ۳۸۵؛ ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۶.

۲. ابن‌کنیر، البدایة والنهایة، ج ۴، ص ۸۰.

۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۲۲؛ ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴؛ همان، ج ۲، ص ۲۶-۲۷.

۴. واقدی، مغازی، ص ۳۸۵؛ ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۳.

۵. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۶.

روی بیاورند. آنان در بخش‌هایی دیگر که می‌توانست نیازمندی‌های اقتصادی آنان را برطرف کند نیز ورود پیدا کرده بودند؛ چنان که در ساخت ابزارهای ماهیگیری، تله، تور، پنجره و قلاب‌های آهنی هم فعالیت داشتند.^۱ به نظر می‌رسد که برخی از این تولیدات، به‌ویژه ابزار ماهیگیری را به نواحی حاشیه دریای سرخ و شامات صادر می‌کردند.

پیشه زرگری

پیشه زرگری، از دیگر مشاغلی بود که یهود بنی‌قینقاع به‌عنوان متخصص این حرفه شناخته می‌شدند و کسی در این زمینه با آنان توان رقابت نداشت و شغل عمده آنان به شمار می‌رفت. آنها تولیدات خود را به‌صورت: زیورآلات، جواهرات، وسایل تزئینی، گوشواره، خلخال، دستبند، انگشتر و گردنبند در بازار ویژه زرگران (بنی‌قینقاع) به فروش می‌رساندند؛^۲ چنان که به هنگام ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام گردنبندی برای فروش به بازار بنی‌قینقاع برد تا از طریق فروش آن، ولیمه عروسی را تهیه کند.^۳ آنچه از گزارش منابع برمی‌آید، این است که ساکنان مدینه، بادیه‌نشینان و اهالی شهرهای حجاز، مشتریان یهودیان بودند و نیازمندی‌های دختران و زنانشان را از یهودیانی که در زمینه تولید و ساخت زیورآلات ماهر بودند، تهیه می‌کردند؛ چراکه فقط یهودیان بنی‌قینقاع در عرصه ساخت زیورآلات شهرت داشتند و در این پیشه، پیشگام بودند. از روایت‌های برخی از منابع تاریخی هم برمی‌آید که خاندان آبی الحقیقی یهودی، ثروت فراوانی از طریق ساخت و فروش مصنوعات و زیورآلات طلا به‌دست می‌آوردند؛ چنان که به هنگام فتح

۱. الخزاعی، تخریج الدلالات السمیعة، ص ۷۳۱؛ احمد شریف، مکه و المدینه، ص ۳۰۸.

۲. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۱۴؛ همان، ج ۴، ص ۷۸؛ همان، ج ۵، ص ۸۲؛ حلبی، سیرة الحلبيّة، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۳۶۱.

۳. بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۸۲.

خیبر، این تولیدات را از پیامبر ﷺ پنهان کردند. آنها همچنین، این تولیدات را در ازای اجرت و دستمزد به اعراب امانت می‌دادند؛ به‌عنوان نمونه، مردم مکه در مراسم عروسی، طلا و جواهرآلات یهودیان را به مدت یک ماه اجاره می‌گرفتند.^۱

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت که یهودیان در زمینه تولید و ساخت پیشه‌های دستی، بر اعراب برتری داشتند و تمام پیشه‌هایی را که با حیات روزانه و فعالیت‌های کشاورزی در ارتباط بود، به‌خوبی فراگرفته بودند؛ به‌گونه‌ای که در برخی پیشه‌ها از سطح بالایی از مهارت برخوردار بوده و بعضی پیشه‌ها را انحصاری کرده، فنون آموزش و ساخت آن را به دیگران آموزش نمی‌دادند؛ مانند زرگری و اسلحه‌سازی که از نظر درآمد، جزء حرفه‌های پُردرآمد بودند و می‌توانستند ثروت هنگفتی برای آنان به همراه داشته باشد. از طرفی، یهودیان مصلحت خود را در شرکت کردن در جنگ‌ها و یا ایجاد تشویق به وقوع جنگ در سرزمین خودشان و اطراف خود نمی‌دیدند؛ چراکه آنان اهل زراعت، کشاورزی، تجارت، بازرگانی و مال‌اندوزی بودند و این فعالیت‌ها، تنها در سایه برقراری امنیت فراهم می‌شد.

فعالیت‌های دامداری یهودیان در مدینه

با وجود اینکه زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیزی در مدینه بود، اما این اراضی فقط به محصولات کشاورزی اختصاص داشت و به واقع، مدینه منطقه‌ای برای پرورش احشام و دامداری در سطح گسترده نبود؛ اما با این حال، اهل مدینه تعدادی شتر، گوسفند و سایر حیوانات اهلی را نگهداری می‌کردند که از شاخ و برگ درختان و کنار باغ‌ها می‌چریدند و مناطقی اطراف مدینه بود که به‌عنوان چراگاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. از جمله این مناطق، «زغابه» و «الغابه» بود که در مسیر شام قرار داشت و در آنجا درختچه‌هایی بود که شتران می‌توانستند از آنها بخورند.^۲

۱. واقدی، مغازی، ص ۵۲۱.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۲.

مردم مدینه تعدادی گاو هم برای شخم زدن اراضی کشاورزی داشتند و برای اینکه آب از چاه بیرون آورده و زمین‌هایشان را آبیاری کنند، از تعدادی شتر نیز برخوردار بودند. این شترها به شتران آبکش یا «نواضح» معروف بودند. اعراب بدوی نیز شتر و سایر حیوانات اهلی را برای فروش به مدینه می‌آوردند؛ ولی نسبت به اهل مکه، چندان به دامداری راغب نبودند. این وضعیت، در اوایل حضور مسلمانان در مدینه و در گزارش غزوه بدر، به خوبی نمایان است؛ چنان‌که تعداد اسبِ مشرکان در این جنگ، ۱۰۰ رأس و برای مسلمانان، ۳ رأس بود. از طرفی، مسلمانان ۷۰ شتر داشتند و در مقابل، مشرکان ۷۰۰ شتر داشتند؛^۱ اما در سال‌های بعد، به واسطه روی آوردن به امر تجارت و جنگ‌های پیش رو، تعداد شتران و اسبان رو به افزایش نهاد و مسلمانان از مردمان بادیه اسب‌های بسیاری خریداری کردند و حتی در مدینه بازاری به فروش اسب اختصاص داشت و بنی‌سلیم در فروش اسب در این بازار که در بقیع الخیل بود، مشهور بودند.^۲ از سوی دیگر، در غزوات مختلف، اسب، شتر و گوسفندان بی‌شماری به عنوان غنیمت عاید مسلمانان شد؛ به‌عنوان نمونه، در جنگ با هوازن «شتر و گوسفندانی که به دست مسلمانان افتاد، از شمار بیرون بود»؛^۳ اما این یهودیان بودند که در کنار فعالیت‌های کشاورزی به پرورش حیوانات اهلی و پرندگان می‌پرداختند. بخش عمده‌ای از پرورش شتر، توسط یهودیان مدینه صورت می‌گرفت؛ چنان‌که در گزارش منابع تاریخی روایت‌های فراوانی مبنی بر اینکه یهودیان شتران فراوانی داشته‌اند، در دست است؛ برای نمونه، در پایان غزوه بنی‌قریظه، یهودیان با پیامبر ﷺ توافق کردند که اموال خود و حتی چوب‌ها و پنجره‌ها و چهارچوب درها را با ۶۰۰ شتری که در اختیار داشتند، حمل کنند.^۴ این تعداد شتر در کنار سایر حیوانات اهلی

۱. ابن هشام، سیره، ج ۲، ص ۸ و ۶۱؛ مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۸۹.

۲. سمهودی، خلاصة الوفا، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ابن شبه، تاریخ المدینة، ص ۳۰۵.

۳. ابن هشام، سیره، ج ۲، ص ۳۰۹.

۴. واقدی، مغازی، ص ۲۷۸؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۵؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۲، ص ۳۶۱.

که پرورش می‌دادند، برای ساکنان یک قلعه با جمعیتی حدود هفتصد نفر، تعداد قابل ملاحظه‌ای است. همین امر، سبب شده که پژوهشگرانی همچون ولفنسون،^۱ یهودیان را در عرصه پرورش حیوانات اهلی پیشگام بدانند.^۲ بعد از اخراج بنی‌قریظه، مسلمانان به حیوانات اهلی فراوانی که یهودیان پرورش داده بودند، دست یافتند^۳ و از فرآورده‌های برخی از آن حیوانات جهت تغذیه و تولید پوشاک استفاده کردند.

یهودیان همچنان در منازل خود، به پرورش پرندگان اهلی نیز اقدام می‌کردند^۴ که بیانگر خودکفایی اقتصادی و عدم وابستگی یهودیان به ساکنان بادیه بود و این موضوع، نشان می‌دهد که یهودیان در مقایسه با مسلمانان، از وضعیت معیشتی مناسب‌تری برخوردار بودند.

پیشه‌های خانگی

برخی از پیشه‌ها بود که زنان یهودی بدان اشتغال داشتند؛ از جمله آنها، صنعت بافندگی بود.^۵ آنان همچنین در پیشه‌های دیگری همچون: دباغی، ساخت ظرف و وسایل خانگی، مسی و سفالی فعالیت داشتند؛ به طوری که مسلمانان در جریان غزوه بنی‌قریظه، به این ظروف دست یافتند.^۶

۱. اسرائیل ولفنسون (Israel Wolfensohn)، نویسنده، مورخ و محقق اسرائیلی

(۱۸۹۹-۱۹۸۰م).

۲. ولفنسون، تاریخ اليهود، ص ۱۸.

۳. حلبی، سیرة الحلبیة، ج ۲، ص ۳۶۵.

۴. ولفنسون، تاریخ اليهود، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۱۸؛ جواد علی، المفصل، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

۶. واقدی، مغازی، ص ۳۸۵.

بعضی از یهودیان با توجه به نیازمندی جامعه، به دوزخ و دوز و تهیه پوشاک مناسب در امور خیاطی اشتغال داشتند؛ چنان که انس بن مالک (م. ۹۳ق) روایت می‌کند، خیاطی یهودی، رسول خدا ﷺ را به خوردن نان جو برشته و روغن دعوت کرد.^۱

پیشه طبابت

یهودیان، در طبابت و پزشکی هم خدماتی ارائه می‌کردند؛ چنان که ابوحفصه یهودی، از موالی سموال بن عادی یهودی که به دست عثمان بن عفان اسلام آورد، از طبیبان بود.^۲ آنان با استفاده از ورد، طلسم و جادو، درصدد دفع حوایج و علاج بیماران برمی‌آمدند^۳ و در روایتی آمده است که یکی از زنان مدینه، مشکل چشمی پیدا کرد و از این وضعیت شکوه داشت و درصدد برآمد تا یک مرد یهودی با توسل به ورد و جادو، وی را درمان کند؛ اما شوهرش مانع شد و گفت عمل یهودی چون با ورد و جادو همراه است، کاری شیطانی است و شفا دهنده خداوند است و باید از وی خواست که بیماری را شفا دهد.^۴

البته به نظر می‌رسد، برخی از پیشه‌هایی بودند که یهودیان چندان تمایلی به انجام آنها نداشتند؛ مانند: آرایشگری، قصابی، آرد کردن جهت نان (آسیاب کردن) و حفر قبر، و یا پیشه‌های مربوط به زنان در اموری همچون: پرستاری، مامایی و پرستاری بچه (دایه).^۵

۱. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۶۱؛ ابن حبان، صحیح، ج ۱۰، ص ۴۳۰.

۲. بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۱۸۲.

۳. ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۹.

۴. ابی شیبیه، مصنف، ج ۵، ص ۴۷؛ ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۱؛ بیهقی، معرفة السنین والآثار، ج ۹،

ص ۸۸؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۵۱۳.

۵. ابن ادریس، مجتمع المدینة، ص ۲۲۲-۲۲۳.

فعالیت‌های زراعی یهودیان در مدینه

واحه‌ها و دره‌هایی که یهودیان در آن سکونت داشتند، شرایط کاملاً مناسبی برای کشاورزی دارا بودند. کشاورزی، از مهم‌ترین ارکان اقتصادی مدینه به شمار می‌رفت که یهودیان در آن مشارکت بالایی داشتند؛ آن هم به‌واسطه اینکه اراضی حاصل‌خیز نواحی شرقی و جنوبی مدینه را کاملاً در اختیار داشتند؛^۱ به‌طوری‌که به‌هنگام سکونت قبایل اوس و خزرج در یثرب، اراضی کشاورزی و نخلستان‌ها در دست یهودیان بود.^۲

یهودیان، از ثروتمندترین ساکنان مدینه بودند. بر اساس گزارش منابع تاریخی، تفوق اقتصادی یهودیان بر ساختارهای اقتصادی مدینه، کاملاً آشکار بود و چنان‌که اشاره شد، آنان در بخش‌های مختلف اقتصادی پیشگام بودند. چند عامل در تحقق برتری اقتصادی آنان دخیل بود و زمینه این برتری را هرچه بیشتر قوت می‌بخشید: ۱. قرار گرفتن مدینه در مسیر کاروان‌های تجاری که بین یمن و شام در رفت‌وآمد بودند، اهمیت مناطق تحت تسلط یهودیان را دوچندان کرده بود؛ ۲. در دست داشتن اراضی وسیع زراعی حاصل‌خیز که علاوه بر رفع نیازهای روزمره، بخشی را به‌عنوان ملازاد به فروش می‌رساندند؛ ۳. در اختیار داشتن منابع آبی، دره‌های حاصل‌خیز و چاه‌های پُرابی همچون رُومَة^۳ و اَریس^۴؛ ۴. بازار بنی‌قینقاع (کانون اقتصادی مدینه) که محل دادوستدهای تجاری مسلمانان و یهودیان بود و تحت نظارت یهودیان اداره می‌شد. به‌علاوه، انحصار شغل‌های پُردرآمدی همچون زرگری، به افزایش منابع مالی و توانمندی اقتصادی آنان کمک می‌نمود.

۱. حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۳.

۲. ابن‌رسته، اعلاق النفیسة، ص ۷۴.

۳. این چاه‌ها، متعلق به یک یهودی بود که آب آن را به مسلمانان می‌فروخت و عثمان‌بن‌عفان آن را خریداری کرد (بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۴۸۷؛ ابن‌قتیبه، المعارف، ص ۱۹۲).

۴. این چاه، به کشاورزی یهودی به نام «اریس» تعلق داشته و به نام او شهرت یافته است (سمهودی، خلاصة الوفا، ج ۲، ص ۴۱۷).

بدون شک، یهودیان با توجه به دراختیار داشتن منابع اقتصادی، از جمله زراعت و کشاورزی، توانسته بودند سلطه اقتصادی خود را بر ساکنان عرب منطقه اعمال کنند؛ به گونه‌ای که کشاورزان عرب برای رفع نیازمندی‌های اقتصادی خود، مجبور بودند که از یهودیان قرض بگیرند و این عمل، در درازمدت سبب فقر و رنج آنان می‌شد؛ چنان‌که روایت شده است، مسلمانان برای رفع نیازهای غذایی روزمره، در ازای کار برای یهودیان و در قبال کشیدن هر سطل آب از چاه، یک عدد خرما دریافت می‌کردند.^۱ اهمیت این محصول استراتژیک، به گونه‌ای بود که به‌عنوان پرداختی برای آزادی فرد و تعهد، در نظر گرفته می‌شد و در معاملات پایاپای، مورد توجه قرار می‌گرفت؛ چنان‌که در جریان سُرّیه «خَبَطِ» در سال هشتم، قیس بن سعد بن عباده در ازای پرداخت خرما در مدینه، خواستار گوساله و بز پروار شد و مردی از قبیله جهیه، با وی معامله کرد.^۲ بنابراین، ساکنان عرب مدینه برای رفع بخش عمده‌ای از حوایج اقتصادی خود، با مشکل مواجه بودند و محصولات زراعی تولیدی‌شان، حتی نیازهای روزمره آنان را به‌سختی برطرف می‌کرد. به همین دلیل، همیشه وابسته به یهودیان بودند. در تنگنا قرار گرفتن مسلمانان مدینه باعث شده بود که برخی از آنان از زمین‌های خود صرف نظر کرده و محصولات زراعی خویش را با قیمتی پایین‌تر در برابر پرداخت بدهی‌های خود، به یهودیان واگذار کنند.^۳ این شرایط، زمینه رواج ربا برای پرداخت بدهی‌های مالی را دوچندان می‌کرد. یهودیان، اراضی خود را از طریق اجاره یا مزارعه و یا در مقابل ثلث یا ربع محصول، در اختیار کسانی که زمینی نداشتند، قرار می‌دادند و این امر، زمینه افزایش توانمندی اقتصادی آنان و فقر روزافزون ساکنان مدینه را به دنبال داشت.^۴

۱. ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۲۲۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۱۱۵؛ ابن ماجه، سنن، ج ۳، ص ۵۱۴.

۲. واقدی، معازی، ص ۳۰۶ و ۵۹۱.

۳. شریف، مکه و المدینه، ص ۲۹۵.

۴. همان.

از دیگر عوامل مؤثر در تفوق یهودیان، علاوه بر در دست داشتن اراضی حاصل خیز و مرغوب، وجود منابع آبی زیرزمینی فراوانی است که هم در عرصه کشاورزی و سیراب کردن مزارع، و هم شرب مورد استفاده قرار می گرفت. آنان اولین کسانی بودند که در مدینه به حفر چاه پرداختند.^۱ از این رو، چاه‌های آب فراوانی در تملک خود داشتند و بدان افتخار کرده و حتی اشعاری در این باره می سرودند؛ چنان که کعب بن اشرف در این باره چنین شعر می سرود:^۲ «ما چاهی داریم گوارا و پُر آب. هر کس از آن بگذرد، از آن خواهد نوشید.»^۳ یعقوبی (م. ۲۸۴ق) نیز طی گزارشی، از چشمه‌های جوشان فراوانی که در مدینه بوده، یاد می کند.^۴

مهم ترین چاه‌های پُر آبی که در مالکیت یهودیان بود، عبارت‌اند از:

- چشمه اُمّ اِبراهیم و چاه آریس که از آن شخصی یهودی به نام آریس بود.

- چاه رُومَه که منسوب به یک یهودی بود و عثمان بن عفان به توصیه پیامبر ﷺ آن

را خریداری کرد و به مسلمانان بخشید.^۵

- چاه اُنّا و چاه ذوران که از آن لَبِیدُبنُ الأَعصَم بود. وی پیامبر ﷺ را جادو کرد.

- چاه غاضر و الأعواف که خنافه یهودی آن را در اختیار داشت.^۶

۱. ابن رسته، اطلاق النفیسة، ص ۷۲.

۲. «وَلَمَّا بَشُرَ رِوَاءَ جَمَّةٍ... مِنْ يَرْدَهَا بِأَنَاءٍ يَغْتَرَفُ.»

۳. محمد بن سلام، طبقات فحول الشعراء، ج ۱، ص ۲۸۳.

۴. یعقوبی، تاریخ، ص ۹۲-۹۳.

۵. سمهودی، خلاصة الوفا، ج ۲، ص ۲۹۴، ۴۱۷ و ۴۴۰؛ ابن شیه، تاریخ المدینة، ص ۱۵۲-۱۵۳؛

ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۲.

۶. سمهودی، خلاصة الوفا، ج ۲، ص ۱۷۷-۱۸۶.

میزان ذخایر منابع آبی چنان فراوان بود که فقط بین مدینه تا «بطن نخل»، بیش از ۳۰۰ چاه با آب پاک و زلال وجود داشت.^۱ از این رو، یهودیان برای آبیاری محصولات زراعی و نخلستان‌های خود، از بردگان استفاده می‌کردند.^۲

یکی از ارکان اقتصادی مدینه، زراعت و تولید خرما بود. یهودیان، اولین افرادی بودند که در مدینه به کاشت درختان پرداختند.^۳ البته منطقه خیبر نیز در این زمینه غنی بود؛ چنان که عایشه روایت می‌کند: «آنگاه که خیبر فتح شد، توانستیم از خرما سیر شویم.»^۴ این موضوع، حاکی از اهمیت درخت نخل و محصول آن نزد یهودیان دارد؛ چراکه نخل‌های فراوان خرما، منبع تأمین غذایی ساکنان مدینه بود.^۵ خرمای تولیدی یهودیان، بیش از نیاز ساکنان بود و همیشه مازاد محصول را در خارج از مدینه به فروش می‌رساندند. علاوه بر این، نخل، استفاده‌های دیگری نیز داشت؛ از جمله اینکه ساکنان مدینه و اطراف آن، الیاف خرما را برای ساخت زنبیل و پستی و سقف منازلشان، و همچنین به‌عنوان سایه‌بان برای حفظ خود از گرما به کار می‌گرفتند و خارها و چوب‌های خرما هم برای آتش استفاده می‌شد و هسته آن را به‌عنوان علوفه برای تغذیه شتران خرد می‌کردند.^۶ بنا به گزارش یعقوبی، در مدینه و اطراف آن، باغ‌ها و نخلستان‌ها و زمین‌های آماده حاصل‌خیزی برای غرس اشجار و کشت و زرع وجود داشت.^۷ بر این اساس، یهودیان

۱. همان، ص ۵۶۱.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۶۳.

۳. ابن رسته، اطلاق النفیسة، ص ۷۲.

۴. بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۱۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۷، ص ۴۹۵.

۵. ابن حبان، صحیح، ج ۲، ص ۴۵۸؛ ابن قیم جوزیه، زاد المعاد، ج ۲، ص ۴۸.

۶. شریف، مکه و المدینه، ص ۳۰۴؛ شامی، تاریخ العرب، ص ۱۳۷.

۷. یعقوبی، تاریخ، ص ۹۲-۹۳.

در محل‌ها و مکان‌های زندگی‌شان به کشت خرما می‌پرداختند؛ به‌ویژه اینکه آنها نخلستان‌های خرما بسیار ممتاز و باکیفیتی به بار می‌آوردند.^۱

یهودیان در کاشتن درختان خرما، حریص‌ترین مردم بودند و درختان خرما را از فرزندان نوری خود بیشتر دوست می‌داشتند.^۲ این امر، سبب گردیده ولفنسون آنان را مروجان کشاورزی در مدینه معرفی کند.^۳ وفور آب در اراضی که یهودیان در اختیار داشتند،^۴ سبب تسلط آنان بر امور زراعی شده بود و موفقیت آنان را در مقایسه با سایر ساکنان مدینه دوچندان کرده بود. پراکندگی جغرافیایی یهودیان، نشان می‌دهد که آنان توجه خاصی به شرایط محیطی خود داشتند و بیشتر زمین‌های مرغوب و مکان‌های مساعد و مستعد را از آن خود کرده بودند. بنابراین، دو عامل «زمین حاصل‌خیز» و «منابع آب» برای آنان که یکجانشین بوده‌اند، اهمیت داشته است؛ چنان‌که بنی‌نضیر املاک وسیعی را که شامل «وادی بَطْحان»^۵ بود، در اختیار داشت.^۶ همچنین، املاک و مزارعی در «الغرس»^۷ و منطقه‌ای به نام «قوری»^۸

۱. واقدی، مغازی، ص ۲۷۶؛ شامی، تاریخ العرب، ص ۱۳۶.

۲. واقدی، مغازی، ص ۴۹۰.

۳. ولفنسون، تاریخ اليهود، ص ۵۹.

۴. ابن‌شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۵. رودی فصلی در مدینه است که از نزدیکی ماجشونیه آغاز شده و در نزدیک مساجد سبعة، به وادی رانواء می‌پیوندد و سرانجام در «غابه» که سیل‌ها و وادی‌ها در آنجا جمع می‌شوند، می‌ریزد (wikihaj.com).

۶. ابوالفرج الاصفهانی، الأغانی، ج ۲، ص ۳۴۴.

۷. چاهی در قباء (ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۷۳).

۸. قلعه یا مزرعه بنی‌قریظه، در دو فرسنگی مدینه است (سمهودی، خلاصه الوفا، ج ۲، ص ۵۶۱).

داشتند^۱ که آنها را به وسیله چاه‌های فراوانی که در منطقه بود، آبیاری می‌کردند. یهودیان آب برخی از چاه‌ها را در قبال دریافت یک مُد خرما به مسلمانان می‌فروختند.^۲ آنان حتی توانسته بودند با در تنگنا قرار دادن ساکنان مدینه، محصول خرماي آنان را که بر نخل بود، خریداری کنند. اتخاذ این شیوه، سبب افزایش قدرت اقتصادی یهود و ضعف روزافزون مسلمانان شده بود. بنابراین، می‌توان گفت یهودیان در عرصه زراعی، از اعراب غنی‌تر و از وضعیت مساعدتری برخوردار بودند. میزان اراضی زراعی که اعراب در دست داشتند، کفاف نیازهای آنان را نمی‌کرد و همین امر، سبب شده بود که از یهودیان قرض بگیرند.^۳ این روش، در درازمدت انحصار محصولات زراعی را برای یهودیان رقم می‌زد. یهودیانی که تمام همت خود را مصروف کاشتن نخل می‌کردند، توانسته بودند بهترین نوع آن را پرورش دهند؛ به طوری که آنها بهترین نوع نخلستان خرما را در اختیار داشتند؛ از جمله خرماي «عَجْوَه» که نوعی خرماي مرغوب بود و به‌عنوان بهترین منبع درآمد آنها به شمار می‌رفت و پیامبر ﷺ درختان آن را از درختان بهشتی می‌خواند و اینکه عَجْوَه، شفای هر سمی است.^۴

درختان نخلی که یهودیان پرورش می‌دادند، با توجه به زمینه مساعدی که برای کشت داشتند، زود به ثمر می‌نشستند؛ به گونه‌ای که می‌گویند درختان نخل، بعد از یک سال ثمر

۱. ابوالفرج الاصفهانی، *الأغانی*، ج ۱۷، ص ۸۴؛ ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۲، ص ۵۵؛ سمهودی،

خلاصه الوفا، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲. ابن شبه، *تاریخ المدینه*، ج ۱، ص ۵۳۱؛ ابن قتیبه، *المعارف*، ص ۱۹۲.

۳. ابن ماجه، *سنن*، ج ۳، ص ۵۱۴؛ ترمذی، *سنن*، ج ۴، ص ۲۲۷؛ الوکیل، *یثرب قبل الاسلام*،

ص ۱۵۲-۱۵۳.

۴. واقدی، *مغازی*، ص ۲۷۶.

می‌دادند.^۱ به نظر می‌رسد، نخل، اساس ساختار اقتصادی ساکنان حجاز را تشکیل می‌داده است؛ به طوری که غذای جمعیت قابل توجهی را شامل می‌شد.^۲ اهمیت این درخت، به حدی بود که علاوه بر استفاده از برگ و الیاف آن، برخی برای رفع گرسنگی خود، به زیر درختان نخل می‌رفتند و به خوردن شیر درختان نخل روی می‌آوردند.^۳

یهودیان در تولید خرما همیشه پیشگام بودند؛ به گونه‌ای که میزان خرما تولیدی آنان، در نواحی‌ای همچون کتیبه به ۸۰۰۰ و سق^۴ می‌رسید^۵ که نشان از نخلستان‌های فراوان آنان در منطقه دارد. خرما و کشت آن، نزد یهودیان از اهمیت فراوانی برخوردار بود و در تعبیری که در این باره داشتند، کاملاً نمایان است؛ تا جایی که «اهل خیبر» را «اهل نخیل» توصیف می‌کردند^۶ و یا اینکه یهودیان خود را با تعبیری همچون «ما صاحبان نخلستان و آشنا به فنون خرمداری هستیم»، معرفی می‌نمودند.^۷

در مقابل این توانمندی که یهودیان از آن برخوردار بودند، واقدی تصویر دیگری از مسلمانان ارائه می‌دهد: نعیم بن مسعود که نزد یهود بنی قریظه بود، می‌گوید: «ما قومی عرب بودیم؛ نه نخلستان داشتیم، نه تاکستان؛ بلکه اهل دامداری، مخصوصاً پرورش گوسفند و شتر بودیم.»^۸ این گزارش واقدی، به خوبی وضعیت و توان اعراب را در امر

۱. شریف، مکه و المدینه، ص ۲۹۲.

۲. یعقوبی، تاریخ، ص ۹۳؛ واقدی، مغازی، ص ۴۴۵.

۳. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۷۸.

۴. هر وسق، برابر ۶۰ صاع و معادل ۱۹۵ کیلوگرم است.

۵. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۹، ص ۲۸۱.

۶. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۷، ص ۴۹۵.

۷. واقدی، مغازی، ص ۵۲۶؛ ابن هشام، سیره، ج ۳، ص ۲۳۱.

۸. واقدی، مغازی، ص ۳۶۱.

کشاورزی و آشنایی آنان به فنون کشاورزی را نمایان می‌سازد؛ حتی در زمانی که پیامبر ﷺ قلعه‌های یهود در منطقه کتیبه و نطاه را گشود، چون کشاورزانی نداشت تا بر روی اراضی مفتوحه کار کنند، بنابراین، زمین‌ها را در قبال دریافتِ نیمی از محصول به آنها واگذار می‌کرد.^۱ یهودیان در آبیاری، نگهداری و پیوند درختان خرما، مهارت و توانایی بالایی داشتند.^۲ این توانمندی، در تولید محصول نقش بسزایی داشت؛ تا جایی که میزان خرمای به‌دست‌آمده از منطقه خیبر، به‌تنهایی به ۴۰ هزار وسق می‌رسید.^۳ همین امر، سبب گردید رسول خدا ﷺ از درآمدِ خیبر هشتاد شتر خرما و بیست شتر جو و گندم به همسرش جُوَیریه اختصاص دهد.^۴

محصولات تولیدی یهودیان، سبد غذایی بیشتر ساکنان حجاز را تشکیل می‌داد و این واقعیت، در کلام عبدالله بن عمر بن خطاب آنگاه که مسلمانان بر خیبر چیره شدند، منعکس شده است؛ آنجا که گفت: «تا زمانی که خیبر را فتح نکرده بودیم، سیر نخوردیم.»^۵ همچنین، گاهی ساکنان مدینه شیره خرما را با شیر و روغن مخلوط کرده، به‌عنوان غذا استفاده می‌کردند؛^۶ اما غذای غالب ساکنان مدینه، خرما و جو بود؛^۷ البته روغن و کشک نیز می‌خوردند.^۸

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۸.

۲. ابویوسف، الخراج، ص ۱۰۲.

۳. ابن‌شبهه، تاریخ المدینه، ص ۱۷۷.

۴. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲۳؛ بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۰۴.

۵. ابن‌شبهه، تاریخ المدینه، ص ۱۷۷.

۶. الخزاعی، تخریج الدلالات السمعیة، ص ۶۶۹؛ زمخشری، الفائق فی غریب، ج ۳، ص ۸۵.

۷. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۲۴۴؛ ابن‌حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۳۶۴.

۸. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲۷.

بنا به گزارش ابن سعد، تنها یهودیان بنی نضیر هفت نخلستان عمده داشتند (الأعواف، الصافیة، الدلال، المیثب، برقة، حسنی و مشربة أم إبراهیم)^۱ که نشان دهنده سطح وسیع زیر کشت این محصول و تنوع آن - بیش از ۱۲۰ نوع خرما - دارد.^۲ خرمای تولیدی یهودیان، انواع مختلفی داشت که نوع: عَجْوَة، بَرْنِي، لَوْن و صِيحَانِي، از همه معروف تر بودند؛^۳ به طوری که پیامبر ﷺ عجوه را میوه بهشتی خوانده است. یهودیان یا خود به پرورش نخل مبادرت می ورزیدند و یا با استفاده از بردگان و غلامان، این کار را به انجام می رساندند.^۴

یهودیان بنی نضیر نیز در تولید نوع مرغوبی از خرمای باکیفیت به نام «لوز»، پیشگام بودند. این خرما چنان زردرنگ بود که هسته اش از گوشت آن دیده می شد.^۵ معروفیت خرمای تولیدی یهودیان در مدینه، به گونه ای بود که در آستانه جنگ بدر، زمانی که ابوسفیان درصدد بررسی تحرکات و فعالیت های نظامی پیامبر ﷺ برآمد، از شخصی به نام «مجدی» سؤالاتی در خصوص یاران پیامبر ﷺ پرسید؛ اما وی اظهار بی اطلاعی کرد و گفت فقط دو نفر را دیدم که در کناری خوابیده و سپس، مشک های خود را پُر از آب کرده و رفتند. ابوسفیان به آنجا رفت و چند پشگل شتر را جدا کرد و از هسته خرما متوجه شد که مربوط به یاران پیامبر ﷺ و اهل مدینه است.^۶

۱. همان، ج ۱، ص ۴۲۷؛ سمهودی، خلاصة الوفا، ج ۲، ص ۴۶۴.

۲. حلبی، سیرة الحلبیة، ج ۲، ص ۳۶۰.

۳. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۸۷؛ سهیلی، الروض الأنف، ج ۶، ص ۱۵۹.

۴. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۲۲؛ الکلاعی، الاکتفا، ج ۱، ص ۴۱۲؛ سیوطی، خصائص

الکبری، ج ۱، ص ۳۶؛ ابن کنیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۲۰۴.

۵. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۵۷-۶۷.

۶. واقدی، مغازی، ص ۳۱.

جو، دومین محصول استراتژیک بود که یهودیان بنی‌نضیر اقدام به کاشت آن در زیر درختان نخل می‌کردند.^۱ از جو برای تهیه نان و بخشی برای خوراک دام‌ها استفاده می‌شد.^۲ روایت‌های فراوانی در خصوص تجارتِ جو توسط یهودیان و همچنین قرض دادن آن به مسلمانان، گزارش شده است؛^۳ چنان‌که پیامبر ﷺ در بازار یهود مقداری (صاع) آرد جو قرض گرفت. یهودیان همیشه انبارهای خود را از این محصول مهم و سایر تولیدات زراعی پُر می‌کردند. به هنگام فتح قلعه صعب، مقدار فراوانی جو، خرما، روغن و عسل به دست مسلمانان افتاد.^۴ ساکنان قلعه کتیبه نیز اقدام به کاشت جو در کنار سایر محصولات زراعی می‌کردند و مقدار آن، برابر ۳ هزار صاع (کیلو) بود^۵ و در مقایسه با یهود مدینه که جمعیت اندکی داشتند، مقدار بسیاری محصول تولید می‌کردند. بنابراین، به نظر می‌رسد که فعالیت یهودیان این نواحی باید بیشتر باشد؛ هرچند آمار دقیقی از میزان جو تولیدی در مقایسه با خرما و سایر محصولات زراعی در دست نداریم.

در روایتی، از عایشه نقل شده است که پیامبر ﷺ و مسلمانان، از نان جو سیر نخورده‌اند؛ تا زمانی که محله یهودی‌نشین «بنی‌قمه» را فتح کردند.^۶ این روایت، به فراوانی تولید این محصول در این منطقه اشاره دارد.

۱. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. ابن حبان، صحیح، ج ۱۱، ص ۳۸۵؛ ابن هشام، سیره، ج ۲، ص ۹۵۵.

۳. ابن حبان، صحیح، ج ۱۳، ص ۲۶۳.

۴. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۳۱۳.

۵. واقدی، مغازی، ص ۵۲۸؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۳۰؛ سهیلی، الروض الأنف، ج ۷،

ص ۲۷.

۶. البکری، معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۵۲۳؛ دیاربکری، تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۴۸.

یهودیان علاوه بر خرما و جو، گندم و انگور و برخی از انواع میوه‌ها مانند: انار، موز، خربزه و همچنین برخی سبزیجات خوراکی و جالیزی، کدو حلوائی، لوبیا، چغندر، پیاز، سیر و خیار کشت می‌کردند.^۱ البته گندم به‌مانند جو به مقدار زیاد در دسترس نبود. به همین دلیل، ساکنان مدینه این محصول را از «بَلقاء»^۲ خریداری می‌کردند.^۳ وضعیت زراعت و باغداری مدینه و کاشت درختان انگور، نخل، انار، زیتون، انجیر، مزارع حبوبات و سایر مزارع را می‌توان در خلال آیات متعددی که نزول یافته، به‌خوبی ترسیم کرد و اینکه ساکنان مدینه بهره‌فراوانی از زراعت و کشاورزی که شغل عمده آنها بوده، داشته‌اند؛^۴ با این حال، محصولاتی که از طریق عراق، شام، آفریقا و هند وارد سرزمین حجاز و مدینه می‌شدند، از سوی یهودیان مورد کشت قرار می‌گرفت؛ از جمله «الخریز» یا خربزه که کلمه‌ای فارسی است، از طریق عراق وارد حجاز شده و توسط ساکنان مدینه کاشت می‌شد.^۵

یهودیان، در کاشت برخی محصولات تلاش بیشتری می‌کردند؛ چراکه آن را برای حفظ سلامتی مفید می‌دانستند؛ به‌عنوان نمونه، یهودیان در خوردن پیاز زیاده‌روی می‌کردند؛ چون اعتقاد داشتند که حفظ سلامتی بدن، در گرو خوردن پیاز است.^۶

۱. شامی، تاریخ العرب، ص ۱۳۶؛ شریف، مکه و المدینه، ص ۲۹۴.

۲. ناحیه‌ای است از توابع دمشق، بین شام و وادی القری (حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۸۹).

۳. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۳، ص ۳۷۴.

۴. انعام، آیه ۹۹ و ۱۴۱؛ بقره، آیه ۲۶۴ و ۲۶۶؛ کهف، آیه ۳۳ و ۳۴؛ مؤمنون، آیه ۱۹؛ یس، آیه ۲۴.

۵. جواد علی، المفصل، ج ۱، ص ۲۱.

۶. ابن قتیبه، المعارف، ج ۳، ص ۲۷۰. با وجود خواص این محصول، پیامبر ﷺ تأکید داشت که مسلمانان به هنگام گرسنگی، چنان‌که سیر یا پیاز استفاده کردند، به مسجد نروند (بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۱۷۰).

از دیگر محصولاتی که توسط ساکنان مدینه و یهودیان کشت می‌شد، البان (نوعی دانه گیاهی و روغنی) بود که از نظر اقتصادی اهمیت داشت و درآمدزا بود و حتی آن را به خارج از مدینه نیز صادر می‌کردند.^۱

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت یهودیان به واسطه در اختیار داشتن اراضی حاصل‌خیز، منابع آب فراوان، تسلط بر فنون و روش‌های زراعت و کشاورزی در مقایسه با سایر ساکنان مدینه، توانسته بودند امور اقتصادی مدینه را به دست بگیرند. این امر، باعث افزایش توان مالی، تجمع ثروت و تسلط آنان بر اقتصاد مدینه شده بود و از این رهگذر، ساکنان مدینه را در تنگنا قرار می‌دادند. بنابراین، پیامبر ﷺ باید برای خودکفایی، دست به اقدامات زراعی می‌زد.

تدابیر پیامبر ﷺ در برابر سلطه زراعی یهود مدینه

به هنگام ورود مهاجرین به مدینه، این شهر شرایط اقتصادی مناسبی نداشت؛ چراکه از دوران پیش از جاهلیت، یهودیان بر شهر مسلط شده بودند و امور اقتصادی و زراعی آن را اداره می‌کردند؛ تا اینکه ازدیانی که در خارج از شهر اقامت داشتند، قدرتمند شده و پس از مدتی، در شهر یک جابه‌جایی قدرت صورت گرفت و یهودیان به خارج از شهر رفتند؛^۲ چراکه یهودیان صاحبان نخلستان و اراضی کشاورزی حاصل‌خیز بودند.^۳ در اختیار داشتن این اراضی کشاورزی وسیع، سبب شده بود تا اوسیان و خزرجیان، در اراضی آنان به کار و کشاورزی بپردازند؛ اما با وجود این، در امور تجاری با یهودیان سهمیم بودند.^۴ با ورود

۱. حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۷.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۴.

۳. ابوالفرج الاصفهانی، الأغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۵؛ ابن‌رسته، اعلاق النفیسه، ص ۷۴.

۴. ولفنسون، تاریخ اليهود، ص ۵۵.

مهاجرین به مدینه، وضعیت اقتصادی رو به وخامت نهاد؛ زیرا مواد غذایی کافی در دسترس نبود. علت آن، جنگ‌های طولانی مدت میان اوس و خزرج بود که به زیربناهای اقتصادی آسیب زده بود. از طرفی، محصولات زراعی چندانی هم در دسترس نبود؛ مگر در حدّ نیاز. این موضوع، سبب شده بود که بیشتر ساکنان مدینه، جو، انجیر و آرد را از شام وارد کنند.^۱

مشارکت اجتماعی در جهت تقویت کشاورزی

پیامبر ﷺ از محیط مدینه که بیانگر فضای رقابتی میان یهودیان با سایر ساکنان بود، درک درستی داشت. از این رو، در گام نخست، به سازماندهی منابع انسانی پرداخت و با عقد پیمان مواخات که نتیجه آن، پذیرفتن مهاجرین از طرف گروه انصار بود، آن را عملیاتی نمود. سپس، به شناسایی منابع مرتبط با کشاورزی روی آورد و احیای اراضی بایر را در دستور کار قرار داد.^۲ به واقع، می توان گفت تحول در اوضاع اقتصادی مسلمانان، بعد از اتخاذ تدابیری این چنینی، و در نهایت، کوچ برخی قبایل یهودی، محقق شده است. بر این اساس، اقتصاد کشاورزی که نیروی محرکه رشد اقتصادی و یکی از راه‌های تحقق عدالت اجتماعی و رفع نیازهای جامعه مسلمانان بود، مورد توجه پیامبر ﷺ واقع شد؛ چراکه امنیت غذایی مسلمانان بدان وابسته بود. از این رو، بخش کشاورزی، هم می توانست تأمین کننده نیازهای غذایی مسلمانان باشد و هم پیشه‌های مرتبط با آن را ایجاد کند؛ به طوری که بعدها مسلمانان توانستند دسترنج خویش را در بازار^۳ تأسیسی پیامبر ﷺ به فروش برسانند.

۱. جواد علی، *المفصل*، ج ۷، ص ۱۴۱.

۲. ابوالفرج الاصفهانی، *الأغانی*، ج ۱۶، ص ۵۰۰.

۳. پیرامون این بازار، رک: هدیه تقوی، ۱۳۹۶، «شیوه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در همگرا کردن

اگر بخواهیم وضعیت اقتصادی مدینه را در این دوران دریابیم، آیات قرآنی می‌تواند رهگشا باشد؛ چنان‌که در خلال آیات سوره حشر، آمده است انصار، کسانی را که به سوی مدینه مهاجرت کردند، دوست می‌دارند و آنان را بر خود مقدم می‌دانند؛ هرچند خودشان نیازمند هستند.^۱ و این گونه، حسّ نوع‌دوستی و ایثار، مانع از به مشقت افتادن مهاجرین تازه از راه رسیده شد. با وجود اینکه آیه شریفه مذکور، مشکلات اقتصادی و معیشتی اهل مدینه را به خوبی نمایان می‌سازد، اما این امر، سبب نشد گروه انصار در این زمینه کوتاهی کنند. با استقرار مسلمانان، پیامبر ﷺ در صد سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی مسلمانان مدینه برآمد؛ اما پیامبر ﷺ با گروهی از یهودیان مواجه بود که کنترل و تسلط کاملی بر اقتصاد مدینه داشتند و این تسلط اقتصادی، زمینه و شرایط نامساعدی را برای غیریهود فراهم ساخته بود؛ چراکه یهودیان به واسطه در اختیار داشتن سرمایه هنگفت، شایع بودن ربا و رباخواری (نساء، آیه ۱۶۱)، اختکار کالای مورد نیاز ساکنان مدینه، رشوه‌خواری^۲ و کم و زیاد کردن اوزان و مقادیر، زمینه برتری اقتصادی خود را فراهم ساخته بودند.

بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال هشتم، ش ۲۸، ص ۷-۲۶؛ عمار خسروجردی، ۱۳۹۳، «بازخوانی اصلاحات پیامبر ﷺ در بازار مدینه»، فصلنامه علمی - ترویجی مشکوة، ش ۱۲۴: ۹۰-۱۱۱؛ عبدالرفیع رحیمی و علی غلامی فیروزجانی، ۱۳۹۴، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا ﷺ در مدینه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و یک، دوره جدید، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۶: ۷۱-۸۸.

۱. حشر، آیه ۹.

۲. رحیمی فیروزجانی، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا ﷺ در مدینه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، ص ۷۵.

گام بعدی برای اصلاح امور، ترویج روحیه کار و تلاش، جهت خودکفایی از یهودیان بود. کار و تقسیم کار، از عناصر مدیریت است و یکی از قوانین طبیعی به منظور به دست آوردن نتیجه بهتر و زیادتر به شمار می‌رود.^۱ از این رو، رسول خدا ﷺ فرمود: «خوردن غذا، زمانی گواراست که حاصل کار و دسترنج شخص باشد؛ چنان که داود نبی دسترنج خود را می‌خورد.»^۲ و یا اینکه پیامبر ﷺ خود بشخصه، مشغول کار کردن می‌شد.^۳ ایجاد انگیزش برای مسلمان بدین شیوه، می‌توانست در موفقیت برنامه‌های پیامبر ﷺ نقش بسزایی داشته باشد.

همان طور که بیان گردید، یهودیان در اراضی غنی و حاصل خیز مدینه ساکن بودند و زراعت و نخل داری که اساس اقتصاد مدینه بود، در دست یهودیان قرار داشت. یکی از اهداف بلندمدت پیامبر ﷺ برای تأمین نیازهای غذایی که از مبانی راهبردی توسعه اقتصادی به شمار می‌رفت، تشویق مسلمانان به مشارکت در امر کشاورزی و پرورش نخل بود. از این رو، ایشان درخت را به انسان مؤمن تشبیه کرد^۴ و فرمود: «هرکس درختی را قطع کند، قلمه‌ای به جای آن غرس کند.»^۵ بر این اساس، پیامبر ﷺ در صد بود که رویه کاشت درختان نخل و حفظ آنها، به عنوان یکی از منابع اقتصادی که در درازمدت زمینه خودکفایی اقتصادی مسلمانان را رقم می‌زد، در میان ساکنان مدینه ترویج دهد؛ چنان که در نامه‌ای که ایشان به بلال بن حادثی مزنی نوشت، یادآور شد که در صورتی اسلام خود را حفظ کند، می‌تواند نخلستان‌های دهکده خودش را در اختیار داشته باشد و دولت

۱. اقتداری، سازمان و مدیریت سیستم رفتار سازمانی، ص ۱۳۸.

۲. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۵۷.

۳. ابن‌رسته، اعلاق النفیسه، ص ۷۵.

۴. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۷۸.

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۴.

پیامبر ﷺ می‌تواند وسایل و ابزارهایی را که موجب بهبود کشاورزی می‌گردد، در اختیار وی قرار دهد.^۱

احیای زمین‌های بایر

برنامه بعدی پیامبر ﷺ برای خودکفایی، احیای زمین‌های بایر از سوی مسلمانان بود که بر اثر تشویق‌های پیامبر ﷺ عملیاتی شد؛ چراکه ایشان فرموده بود: «هرکس زمین مواتی را احیا کند، از آن اوست.»^۲ بر اثر این تشویق‌ها و حمایت‌ها، مهاجرین اقدام به احیای اراضی بایر بسیاری نمودند؛ به طوری که پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه چهار قطعه زمین، از جمله: الفقیرین، بئر قیس و شجره را به صورت اقطاع واگذار کرد^۳ و یا اینکه با برقراری پیمان اخوت میان مهاجرین و انصار، علاوه بر ایجاد همبستگی و اخوت، زمینه مشارکت آنان را در عرصه زراعت مدینه دوچندان نمود و بدین شیوه، مهاجرین در قبال دریافت یک ثلث یا یک ربع از محصول، بر روی زمین‌های انصار مشغول به کار شدند.^۴ اتخاذ این تمهیدات از سوی پیامبر ﷺ در عرصه کشاورزی و زراعت، به بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان در درازمدت و خودکفایی اقتصادی آنان در برابر یهودیان کمک می‌کرد. البته با وجود سازوکارهایی که برای آبادانی و توسعه اراضی کشاورزی از سوی پیامبر ﷺ در نظر گرفته شده بود، گاهی میان مسلمانان اختلاف‌هایی در مورد کاشت نخل پیش می‌آمد که پیامبر ﷺ خود این دعاوی را خاتمه می‌داد.^۵

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۰۳ و ۱۴۷؛ مالک بن انس، موطأ، ج ۴، ص ۱۰۷۶؛ ابوالفرج الاصفهانی،

الأغانی، ج ۱۶، ص ۵۰۰؛ ابی داوود، سنن، ج ۴، ص ۶۸۰.

۳. سمهودی، خلاصه الوفا، ج ۲، ص ۶۹۹.

۴. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۰۴.

۵. ابن داوود، سنن، ج ۴، ص ۶۸۳.

نخل که یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی اهل مدینه بود، از سوی پیامبر ﷺ مورد توجه قرار گرفت و بیشترین تلاش‌ها در جهت غرس، و سپس، حفظ و نگهداری آن صورت پذیرفت. این منبع مهم غذایی، بعدها با نزول آیات زکات، جایگاهی بس مهم در اقتصاد دولت پیامبر ﷺ پیدا کرد؛ به گونه‌ای که زکات حاصل از آن، به یکی از منابع مالی دولت پیامبر ﷺ تبدیل شد.^۱

مدیریت و نظارت بر منابع آبی

نظارت و کنترل، از عناصر مدیریت و برای عملیاتی کردن هدف مورد نظر به صورت مطلوب انجام می‌شود.^۲ حال باید دید آبیاری سطحی و نظارت بر آن - که از اهداف مورد نظر پیامبر ﷺ برای تحقق برنامه‌های اقتصادی‌شان بود - چگونه از سوی ایشان مدیریت می‌شد. پیامبر ﷺ برای سامان دادن به امر آبیاری اراضی کشاورزی، تدبیر خاصی اتخاذ کرد و آن اینکه در وادی مهزور حکم نمود که زمانی آب در زمین تا حد دو قوزک پا جمع شد و به آن حد رسید، باید آب به زمین بعدی انتقال پیدا کند تا زمین‌های بالادستی موجبات محرومیت آب برای اراضی پایین‌تر فراهم نکنند.^۳ این روند آبیاری، در کشتزارها تا بند نعلین تعیین شده بود.^۴ تقسیم صحیح آب که حیات اراضی کشاورزی و نخلستان‌ها بدان وابسته بود، کاری بسیار سخت و پیچیدگی‌های خاص خودش را داشت؛ زیرا این زمین‌ها در مجاورت اراضی یهودیان قرار داشت و گاهی میان مسلمانان و یهودیان در

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۸۴ و ۳۸۵.

۲. تبریزی، تئوری‌های مدیریت، ص ۳۰؛ اقتداری، سازمان و مدیریت سیستم رفتار سازمانی، ص ۲۵۱.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۴؛ مالک بن انس، صحیح، ج ۴، ص ۱۰۷۷.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵.

خصوص تقسیم آب، درگیری‌هایی اتفاق می‌افتاد؛ اما پیامبر ﷺ با توجه به برنامه‌ریزی و اهداف بلندمدتی که برای خود کفایی داشت، این تنش‌ها را که به اقتصاد مسلمانان آسیب‌زا بود، مدیریت می‌نمود و آن را به فرصت تبدیل می‌کرد؛ چنان‌که در مورد تقسیم آب مهزور، با بنی قریظه درگیری رخ داد و پیامبر به داوری نشست و حکم کرد که آب چون به دو قوزک پا رسید، نباید مانع آن به اراضی پایین‌تر شد.^۱ پیامبر ﷺ در باره سایر اراضی، حکم مشابهی صادر کرد که بدین شیوه آن اراضی آبیاری می‌شد. انتخاب این روش آبیاری، می‌توانست در کمیت و کیفیت محصول مؤثر باشد.

با توجه به اینکه بخش اعظمی از اراضی کشاورزی و نخلستان‌ها توسط چاه‌ها آبیاری می‌شد و بیشتر این چاه‌های آب در انحصار یهودیان بود، بنابراین، پیامبر ﷺ از طریق تشویق مسلمانان به حفر چاه و خریداری آنها، در صدد شکستن این انحصار برآمد و این، سومین عامل راهبردی بود که پیامبر ﷺ در راستای تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی خود بدان تأکید داشت و در صدد مدیریت آن برآمد. بر این اساس، برخی از صحابه همچون عثمان بن عفان، برای محقق شدن برنامه‌های اقتصادی پیامبر ﷺ، پیش‌قدم شدند و اقدام به خرید چاه آب از یهودیان نموده، آن را وقف مسلمانان کردند.^۲ بنابراین، در این بخش نیز پیامبر ﷺ توانست برنامه خود را عملیاتی کند و منابع آب مورد استفاده در بخش کشاورزی را تأمین نماید.

نتیجه

نتایج حاصل از تحلیل و تبیین اطلاعات منابع، بیانگر این است که یهودیان مکان‌هایی را که برای استقرار و اقامت در نظر گرفته بودند، هم از نظر موقعیت تجاری و هم دسترسی

۱. ابن شیه، تاریخ المدینه، ص ۱۷۱؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵.

۲. ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۲؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۴۸۷.

به منابع آب و زمین‌های حاصل‌خیز، حایز اهمیت بودند. از این‌رو، در درست داشتن این فرصت‌ها، خود عاملی بود که تسلط آنان را در اقتصاد شبه‌جزیره رقم می‌زد. سبک زندگی یکجانشینی، عامل دیگری بود که سبب شده بود یهودیان به ساخت پیشه‌های دستی تأثیرگذار و متنوعی که با زندگی اعراب در ارتباط بود، روی آورده و در این زمینه، موفق عمل کنند؛ اما با هجرت مسلمانان از مکه به مدینه و تشکیل دولت‌شهر مدینه، از سوی پیامبر ﷺ زمینه‌ای فراهم شد تا پیامبر ﷺ برای خودکفایی در عرصه زراعی که بیشترین تأثیر را در استثمار مسلمانان داشت، راهبردهایی اتخاذ نماید. پیامبر ﷺ در بخش کشاورزی، عوامل فیزیکی (زمین، کاشت، آبیاری) و غیرفیزیکی (مدیریت) را که نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد کشاورزی و زراعی دولتشان داشت، به‌خوبی شناسایی کرد و بر این اساس، با اتخاذ مدیریت راهبردی اقتصادی، مدیریت منابع انسانی و سازماندهی نیروهای کار انصار و مهاجرین، تقسیم کار و ترویج روحیه تعاون و همکاری، اهتمام لازم را به کار بست که از جمله نتایج آن، احیای زمین‌های بایر، کاشت درختان نخل، خرید و حفر چاه‌های آب که از اهداف بلندمدت و راهبردی ایشان برای خودکفایی اقتصادی بود، به شمار می‌رود.

برخی از پیشه‌های ساکنان مدینه و میزان اشتغال به آن در سال‌های اول هجری^۱

پیشه‌های رایج	مشارکت یهودیان	مشارکت مسلمانان
سبدبافی	*	*
زنبیل‌بافی	*	*
لیف‌بافی	*	*
حصیربافی	*	*
طناب‌بافی	*	
دروگری	*	
شراب‌گیری	*	
شمشیرسازی	*	
زره‌بافی	*	
نیزه‌سازی	*	
سپرسازی	*	
کلاهخودسازی	*	
خنجرسازی	*	
کمان‌سازی	*	
ساخت وسایل ماهیگیری	*	
زرگری	*	
عطرسازی	*	
بافندگی	*	

۱. البته مشاغل مختلفی دیگری بود که به دنبال تثبیت قدرت مسلمانان در مدینه و شبه‌جزیره رونق گرفت و مسلمان بدان اشتغال داشتند. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: عبدالحی کتانی، ۱۳۹۱، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

	*	خیاطی
	*	دباغی
	*	سفالگری
	*	ساخت ابزارآلات شکار
	*	سنگ‌کاری
	*	طبابت
*		آرایشگری
*		قصابی
*		قبرکنی
*		پرستاری
*		مامائی
*		دایه
*	*	اسب‌فروشی
* (غلبه با یهودیان بود)	*	پرورش شتر
*	*	خرمافروشی
	*	نخل‌داری
*	*	میرآب
* (غلبه با یهودیان بود)	*	باغداری
	*	آهنگری

منابع

١. قرآن کریم.
٢. ابن ادريس، عبدالله عبدالعزيز، ١٩٧٩م، «مجتمع المدينة المنورة وتنظيم القبائل سياسياً و اجتماعياً في عصر الرسول محمد ﷺ (١-١١ق)»، رساله ماجيستر، جامعة الرياض.
٣. ابن ادريس، ١٩٨١م، «مجتمع المدينة في عهد الرسول»، رساله ماجيستر، رياض، جامعة الملك سعود.
٤. ابن الأثير، عز الدين، ١٤٠٩ق، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بيروت، دار الفكر.
٥. ابن النجار، محب الدين أبو عبدالله، بي تا، *الدرة الثمينة في أخبار المدينة*، المحقق: حسين محمد علي شكري، بيروت، شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم.
٦. ابن جوزي، جمال الدين ابو الفرج، ١٤٢١ق، *المنتظم في التاريخ الأمم والملوك*، المحقق: مهدي عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
٧. ابن حبان، ١٤١٤ق، *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*، المحقق: شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٨. ابن حجر العسقلاني، ١٤١٥ق، *اصابة في التمييز الصحابة*، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دار الكتاب العلمية.
٩. ابن زنجويه، ابو أحمد، ١٤٠٦ق، *الأموال*، تحقيق: شاکر ذيب فياض، السعودية، مركز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الإسلامية.
١٠. ابن سعد، محمد بن منيع، ١٣٧٤، *الطبقات الكبرى*، ترجمه: محمد مهدي دامغانی، تهران، فرهنگ و انديشه.
١١. ابن شبة، ١٣٩٩ق، *تاريخ المدينة لابن شبة*، حققه: فهيم محمد شلتوت، طبع على نفقة: جدة، السيد حبيب محمود أحمد.
١٢. ابن عساکر، ١٤١٥ق، *تاريخ مدينة دمشق*، المحقق: عمرو بن غرامة العمري، بيروت، دار الفكر.
١٣. ابن قتيبة الدينوري، ١٩٩٢م، *المعارف*، تحقيق: ثروت عكاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

۱۴. ابن قدامة المقدسی، ۱۳۸۸ق، *المغنی لابن قدامة*، بی جا، مکتبه القاهرة.
۱۵. ابن قیم جوزی، ۱۴۱۵ق، *زاد المعاد*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۱۶. ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، *سنن ابن ماجه*، المحقق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، محمد كامل قره بللی و عبداللطيف حرز الله، بیروت، دار الرسالة العالمية.
۱۷. ابن منظور، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۱۸. ابن هشام، ابو محمد عبد الملك، ۱۳۷۵، *السيرة النبوية*، ترجمه: سيد هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی.
۱۹. ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، *البدایة و النهایة*، المحقق: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، بی تا، *سنن أبي داود*، بیروت، دار الكتاب العربی.
۲۱. ابو عبیده، قاسم بن سلام، ب تا، *الأموال*، التحقیق: خليل محمد هراس، بیروت، دار الفكر.
۲۲. ابو الفرج الاصفهانی، ۱۴۲۲ق، *الأغانی*، بیروت، الهلال.
۲۳. ابو یوسف، ۱۳۰۲ق، *الخراج*، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر.
۲۴. ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، *المصنف فی الأحادیث الآثار*، المحقق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد.
۲۵. احمد بن حنبل، ابو عبدالله، ۱۴۱۹ق، *مسند*، المحقق: السيد ابو المعاطی النوری، بیروت، عالم الكتب.
۲۶. اقتداری، علی محمد، ۱۳۷۲، *سازمان و مدیریت سیستم رفتار سازمانی*، تهران، مولی.
۲۷. ایران نژاد پاریزی، مهدی؛ ساسان گهر، پرویز، ۱۳۷۱، *سازمان و مدیریت؛ از تئوری تا عمل*، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.
۲۸. البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل، ۱۴۲۲ق، *صحیح البخاری*، المحقق: محمد زهیرین ناصر الناصر، بی جا، دار طوق النجاة.
۲۹. البکری الأندلسی، أبو عبید عبدالله، ۱۴۰۳ق، *معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع*، بیروت، عالم الكتب.

۳۰. بلاذری، أحمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، *أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت، دار الفکر.
۳۱. —، ۱۳۳۷، *فتوح البلدان*، ترجمه: محمد توکل، تهران، نقره.
۳۲. بیهقی، احمد بن الحسین، ۱۴۱۲ق، *معرفة السنین والآثار*، المحقق: عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، دار الوعی.
۳۳. تبریزی، کمال، ۱۳۵۲، *تتوری‌های مدیریت*، تهران، خوشه.
۳۴. الترمذی، محمد بن عیسی، ۱۹۹۰م، *سنن الترمذی؛ الجامع الکبیر*، المحقق: بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
۳۵. تقوی، هدیه، ۱۳۹۶، «شبهه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در همگرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال هشتم، ش ۲۸.
۳۶. جواد علی، ۱۴۲۲ق، *المفصل التاریخ العرب قبل الاسلام*، بی‌جا، دار الساقی.
۳۷. الحلبی، علی بن ابراهیم، ۱۴۲۷ق، *السیرة الحلبیة*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳۸. حموی، یاقوت، ۱۹۹۵م، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
۳۹. الخزاعی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ق، *تخریج الدلالات السمعیة*، المحقق: احمد محمد ابوسلامه، قاهره، احیاء التراث الاسلامی.
۴۰. خسروجردی، عمار، ۱۳۹۳، «بازخوانی اصلاحات پیامبر ﷺ در بازار مدینه»، فصلنامه علمی - ترویجی *مشکوه*، ش ۱۲۴.
۴۱. الخطیب البغدادی، ابوبکر، ۱۴۲۲ق، *تاریخ بغداد*، المحقق: بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۴۲. الدیّار بکری، حسین بن محمد، بی‌تا، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس*، بیروت، دار صادر.
۴۳. رحیمی، عبدالرفیع؛ غلامی فیروزجانی، علی، ۱۳۹۴، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا ﷺ در مدینه»، فصلنامه علمی - پژوهشی *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، سال پنجاه و یک، دوره جدید، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۶.

۴۴. الزمخشری، ابوالقاسم، بی تا، الفائق فی غریب الحدیث و الأثر، المحقق: علی محمد البجاوی و محمد أبو الفضل إبراهيم، لبنان، دار المعرفة.
۴۵. سالم، عبدالعزیز، ۱۳۹۱، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه: باقر صدری نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
۴۶. السهمودی، علی بن عبدالله، بی تا، خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى، دراسة و تحقیق: محمد الأمین محمد و محمود أحمد الجکینی، طبع علی نفقة: السيد حبيب محمود أحمد.
۴۷. السهیلی، ابوالقاسم عبدالرحمن، ۱۴۲۱ق، الروض الأتف، المحقق: عمر عبدالسلام الاسلامی، بیروت، احیاء التراث العربی.
۴۸. السیوطی، جلال الدین، بی تا، خصائص الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴۹. الشریف أحمد إبراهيم، بی تا، مكة والمدینة فی الجاهلیة و عهد الرسول (صلی الله علیه وسلم)، بیروت، دار الفکر العربی.
۵۰. شهلائی، ناصر، ۱۳۸۶، «مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح»، فصلنامه علمی - ترویجی مدیریت نظامی، ش ۲۸.
۵۱. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، سبیل الهدی و الرشاد، تحقیق و تعلیق: الشیخ عادل أحمد عبدالموجود و الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۵۲. الطبرانی، سلیمان بن أحمد، بی تا، المعجم الأوسط، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن إبراهيم الحسینی، القاهرة، دار الحرمین.
۵۳. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
۵۴. کتانی، عبدالحی، ۱۳۹۱، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه: علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۵. گرنٹ، رابرت ام، ۱۳۹۴، مدیریت استراتژیک با رویکرد امروزی، ترجمه: آرش خلیلی نصر، تهران، آریانا قلم.
۵۶. مالک بن انس، ۱۴۱۲ق، موطأ، المحقق: بشار عواد معروف و محمود خلیل، بیروت، مؤسسه الرسالة.

٥٧. محمد بن سلام الجمحی، بی‌تا، *طبقات فحول الشعراء*، المحقق: محمود محمد شاکر، جده، دار المدنی.
٥٨. مقریزی، ١٤٢٠ق، *متاع الاسماع*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٥٩. نجمان، یاسین، ٢٠٠٣م، *التنظیمات الاجتماعیة و الاقتصادية فی المدینة فی القرن الاول الهجری*، دمشق، منشورات وزارة الثقافة.
٦٠. ندوی، ١٤٢٥ق، *السیرة النبویة*، دمشق، دار ابن کثیر.
٦١. الوکیل، محمد السید، بی‌تا، *یثرب قبل الاسلام*، جده.
٦٢. ولفنسون، اسرائیل، ١٩٢٧م، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام*، مصر، مطبعة الاعتماد.
٦٣. الهیثمی، ١٤١٤ق، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، القاهرة، مکتبة القدسی.
٦٤. یحیی بن آدم، ١٣٨٤ق، *الخراج*، بی‌جا، المطبعة السلفية و مکتبتها.
٦٥. یعقوبی، احمد بن محمد، ١٣٥٦، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.